

به نام خدا

مناقشه از ناحیه سند: اسناد شیخ به احمد بن محمد تام نیست. 1

جواب اول مناقشه سندی: تعویض سند. 3

جواب دوم مناقشه سندی: این روایت از کتاب نوادر است... 6

اشکال به جواب دوم محقق خویی: توجیه مخالف ظاهر مشیخه است. 7

جواب اشکال: مخالفتی با ظاهر مشیخه ندارد. 7

جواب سوم مناقشه سندی: اثبات وثاقت احمد بن محمد بن یحیی... 8

دیروز مطلبی در مورد محمد بن یحیی عرض کردم که بعد با تذکر یکی از دوستان مراجعه کردم متوجه شدم صحیح نبوده است. در مورد محمد بن یحیی دیروز عرض شد که کتاب صاحب نوادر الحکمه است اما درست نیست زیرا او شیخ کلینی نیست. ایشان محمد بن یحیی ابوجعفر العطار است که شیخ کلینی است و ثقه است.

مناقشه از ناحیه سند: اسناد شیخ به احمد بن محمد تام نیست.

روایتی که مشتمل بر کلمه خمر است در تهذیب آمده است که سند آن به این گونه بیان شده است.

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ الرَّجُلِ ...

ظاهرا احمد بن محمد، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی است.

گفته شده است که اسناد شیخ طوسی به جناب احمد محل اشکال است. چون شیخ در مشیخه تهذیب و استبصار پنج طریق ذکر می کند برای احمد بن محمد بن عیسی. و به عبارت صحیح تر پنج بار طریق خودش به احمد را ذکر می کند. این پنج بار در فایده ثانیه خاتمه وسائل در رقم هشتم بیان شده است. صاحب وسائل در فائده ثانیه اسناد شیخ طوسی به اصحاب کتب را ذکر می کند.

[8] و من جمله ما ذکرته عن أحمد بن محمد بن عیسی: ما رویت بهذه الأسانید عن محمد بن یعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن عیسی. [1]

این سند خوبی است زیرا مشارالیه بهذا الاسانید، اسنادی است که به کلینی دارد که آن اسناد تمام است.

حال ایشان می فرماید که روایاتی که از احمد بن محمد بن عیسی نقل می کنم به سند خودم به محمد بن یعقوب و از محمد بن یعقوب بواسطه عدة من اصحابنا است از احمد بن محمد بن عیسی. و می دانیم در «عدة» راویان ثقه ای وجود دارند.

این سند خوبی است اما اشکالش این است که فرموده است و من جمله ما ذکرته ... که «من» برای تبعیض است. یعنی بعضی روایاتی که از احمد بن محمد بن عیسی نقل می کنم بواسطه این طریق است اما مشخص نکرده است که کدام روایات می باشد.

[19] و من جمله ما ذکرته عن أحمد بن محمد بن عیسی: ما رویت بهذا الإسناد عن محمد بن علی بن محبوب، عن أحمد بن محمد. [2]

مشارالیه بهذا الاسناد سندی است که در سند قبل به محمد بن علی بن محبوب نقل می کند. در شماره 18 می فرمایند:

و ما ذکرته فی هذا الكتاب عن محمد بن علی بن محبوب: فقد أخبرنی به الحسين بن عیید الله [3]، عن أحمد بن محمد بن یحیی العطار، عن أبيه؛ محمد بن یحیی، عن محمد بن علی بن محبوب.

این سند از ناحیه احمد بن محمد بن یحیی العطار دارای اشکال است. و چون سند 19 به احمد بن محمد بن عیسی بواسطه همین سند بود آن سند نیز دارای اشکال می شود.

[22] و من جمله ما ذکرته عن أحمد بن محمد: ما رویت بهذا الإسناد عن محمد بن الحسن؛ الصغار، عن أحمد بن محمد. [4]

این سند هم خوب است اما باز و من جمله ما ذکرته فرموده اند.

[25] و من جمله ما ذکرته عن أحمد بن محمد: ما رویت بهذا الإسناد عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد.

این سند هم خوب است اما باز و من جمله فرموده اند.

پس در این چهار سند، سه سند خوب بود و یکی دارای مشکل بود اما در همه این ها گفته شده است «من جمله ما ذکرته». در نتیجه در روایتی که نقل می شود ما مرددیم بین این که با سند صحیح نقل شده است یا با سند غیر صحیح. و اگر بخواهیم بگوییم حجت است تمسک به دلیل در شبهه مصداقیه خود دلیل می شود.

این مشکله ای است که گفته اند روایات احمد بن محمد بن عیسی در تهذیب و استبصار دارد.

مگر در اوایل جلد اول کتاب تهذیب زیرا در آن قسمت بناء شیخ طوسی این بوده است که تمام سند را همانند کلینی ذکر کند. اما بعد برای این که کتاب حجیم نشود تصمیم گرفته است اقتصار به نام صاحب کتاب کند و بعد سند خودش تا صاحب کتاب را یک بار در مشیخه ذکر کند. از اواسط جلد اول تا آخر جلد نهم، تهذیب به همین شیوه نوشته شده است.

[27] و ما ذکرته، عن أحمد بن محمد بن عيسى الذي أخذه من نوادره:

فقد أخبرني به الشيخ [5] رحمه الله أبو عبد الله، و الحسين بن عبيد الله [6]، و أحمد بن عبدون:

كلهم: عن الحسن بن حمزة؛ العلوي [7]، و محمد بن الحسين؛ البزوفري:

جميعا: عن أحمد بن إدريس، عن أحمد بن محمد بن عيسى.

و أخبرني أيضا الحسين بن عبيد الله، و أبو الحسين؛ بن أبي جيد:

جميعا: عن أحمد بن محمد بن يحيى، عن أبيه: محمد بن يحيى، العطار، عن أحمد بن محمد بن عيسى.

این سند از این جهت که فرموده اند «و ما ذکرته» یعنی هر چه ذکر کرده ام عبارت خوبی است. اما فرموده اند «الذي اخذه من نوادره» یعنی هر چه از کتاب نوادر ایشان اخذ کردم سندش این گونه است.

و بعد دو سند نقل می کنند. سند اول سند خوبی است. پس همه روایاتی که ایشان از خصوص کتاب نوادر ذکر می کند دارای سند خوبی هستند.

بنابراین روایاتی که در تهذیب است اگر احراز کردیم از کتاب نوادر است اشکال ندارد اما اگر نمی دانیم از نوادر یا بقیه کتب است در این صورت نمی توانیم حکم به حجیت کنیم. زیرا مورد می شویم که آیا بواسطه سند صحیح نقل شده است یا واسطه آن کسانی هستند که تمام نیست.

بنابراین چند صد روایت از حجیت می افتد.

محقق خوبی در معجم رجال الحديث به دو وجه از این اشکال تخلص جسته اند.

جواب اول مناقشه سندی: تعویض سند [8]

راه اول این است که از پنج سند، سندی که دارای مشکل است را درست کنیم. ایشان اشکال آن سند را بواسطه تعویض سند حل می کنند.

توضیح این که: سندی که دارای اشکال بود عبارت بود از: **و من جمله ما ذکرته عن أحمد بن محمد بن عیسی: ما رویته بهذا الإسناد عن محمد بن علی بن محبوب، عن أحمد بن محمد.** اشکال این بود که در سندی که به محمد بن علی بن محبوب می‌رسد، احمد بن محمد بن یحیی اشعری قمی وجود دارد که وثاقتش معلوم نیست. اگر چه پدر ایشان یعنی محمد بن یحیی از اجلاء و بزرگان است اما کسی پسر ایشان را توثیق نکرده است.

مرحوم خویی پاسخ داده اند که در اینجا سند به محمد بن علی بن محبوب می‌رسد و ایشان از احمد بن محمد بن عیسی نقل می‌کند. شیخ طوسی در فهرست در احوالات محمد بن علی بن محبوب بعد از نقل مطالبی راجع به ایشان و نقل کتبشان سه طریق نقل می‌فرمایند:

1. **أخبرنا بجميع كتبه و رواياته الحسين بن عبيد الله و ابن أبي جید، عن أحمد بن محمد بن یحیی، عن أبيه، عن محمد بن علی بن محبوب.** [9]

این طریق همان اشکال را دارد احمد بن محمد بن یحیی در این طریق نیز وجود دارد.

1. **و أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل، عن ابن بطّة، عن محمد بن علی ابن محبوب.**

این طریق نیز دارای اشکال است زیرا ایشان (مرحوم خویی) ابی المفضل و ابن بطه را ثقه نمی‌داند.

1. **و أخبرنا جماعة، عن محمد بن علی بن الحسين [10]، عن أبيه و محمد ابن الحسن، عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن علی بن محبوب.**

طریق سوم، عالی است و تمام است.

در این گونه موارد یک قاعده کلی وجود دارد که اگر سند در روایتی به شخصی منتهی شود که سند تا آن راوی ضعیف بود اما شیخ طوسی سندهای دیگری در فهرست به همان شخص دارد که اولاً تام است و ثانیاً نسبت به همه روایات و کتبش است در این صورت می‌توانیم سند ضعیف را با سند تام در فهرست تعویض کنیم. زیرا در سند دوم گفته شده است که همه کتابها و همه روایتها. و قطعاً عبارت همه کتابها و همه روایتها، روایات موجود در کتب متداوله را شامل می‌شود به خصوص روایات در کتب شیخ مخصوصاً روایات تهذیب و استبصار.

زیرا مسلماً مراد ایشان همه روایات و کتب نفس الامری ایشان نیست. زیرا ما آنها را نمی‌شناسیم. بلکه مرادشان روایاتی است که در کتابها با عنوان ایشان نقل شده است به خصوص کتابهای خودشان و مخصوصاً تهذیب و استبصار. با توجه به این که ایشان در مشیخه تهذیب و استبصار بعد از ذکر اسناد می‌فرمایند که من بخشی از اسناد را نقل کرده‌ام و بقیه را در فهرست نقل می‌کنم.

بنابراین، این قاعده کلی و مهمی است که هر جا روایتی در استبصار و تهذیب و وسائل از شیخ طوسی دیدیم که دارای اشکال است نمی‌توانیم فوراً حکم به عدم حجیت کنیم بلکه باید بررسی کنیم که آیا راهی برای تعویض سند وجود دارد یا نه. قانون تعویض سند موارد

عدیده دارد که بعضی محل اشکال و کلام است و بعضی بدون اشکال. یکی از مواردی که بدون اشکال است همین موردی است که ذکر کردیم.

ان قلت: اگر چه شیخ فرموده است خبرنا بجمع کتبه و روایاته اما ما علم نداریم که این روایت حتما از روایت احمد بن محمد بن عیسی [11] هست یا نه و اگر بخواهیم آن سند را بیاوریم تمسک به دلیل در شبهه مصداقیه خود دلیل می شود. مثلا همین روایت مورد بحث یعنی معاویه بن عمار آیا واقعا از روایات احمد بن محمد بن عیسی هست یا نه؟ این که این روایت از ایشان باشد فرع بر این است که یک سند تامی تا ایشان داشته باشیم و فرض این است که سند تام نیست. بنابراین علم نداریم که این روایت از ایشان هست یا نه. بله اگر بدانیم روایتی از روایات ایشان است می فهمیم که سند دیگری نیز دارد.

مثلا اگر الان در بازار کسی کتابی را بیاورد و ادعا کند که از احمد بن محمد بن عیسی است آیا می توان با این راه سند آن را درست کرد؟ آیا می توانیم بگوییم شیخ طوسی فرموده است خبرنا بجمع کتبه و روایاته و روایت این کتاب هم یکی از آنهاست؟ این که کتاب از ایشان هست یا نه اول کلام است. شاید اساسا به ایشان دروغ بسته باشند.

قلت: در اثناء توضیح کلام ایشان بیان شد که حل اشکال به این است که شیخ طوسی در فهرست فرموده اند خبرنا بجمع کتبه و روایاته. قدر متیقن مراد ایشان روایاتی است که خودشان در تهذیب و استبصار نقل کرده اند. ممکن است کسی پا فراتر بگذارد و بگوید حتی اگر صدوق یا کلینی نقل کرده باشند و شیخ نقل نکرده باشند نیز مراد ایشان است. و منظور شیخ روایات و کتبی است که متدارج بین اصحاب است و روایاتی است که در کتب محدثین وجود دارد.

پس در این عبارت چند احتمال وجود دارد:

اول: خبرنا بجمع آن چه در افواه گفته شده و گفته می شود. این صحیح نیست زیرا محصور نیست و مشخص نیست که چه روایاتی در افواه نقل می شود.

دوم: خبرنا بجمع کتبه و روایتی الثابتة فی نفس الامر آنها له. این هم صحیح نیست زیرا اثری ندارد و فایده ای بر آن مترتب نیست. زیرا اگر فهمیدیم که روایات از ایشان است طریق شیخ کاربردی ندارد و اگر ثابت نشود، نمی توان به طریق شیخ استناد کرد. پس این احتمال هم بی فایده است.

سوم: آن چه در کتب متداوله محدثین یعنی کافی و من لایحضر و کتابهای خودشان وجود دارد. یعنی هر روایتی که در این کتابها از احمد بن محمد بن عیسی به هر سندی نقل شده است من نیز سه سند به آن دارم. این معنا اگر درست باشد که محتمل است و بعید نیست از عبارت ایشان استظهار شود برای این روایت نیز کاربرد دارد.

چهارم: قدر متیقن مراد شیخ از این عبارت این است که همه روایاتی که ایشان در کتابهایشان مخصوصا تهذیب و استبصار از آن راوی نقل می کند دارای این سند است.

جواب دوم مناقشه سندی: این روایت از کتاب نوادر است

شیخ طوسی در فهرست دو کتاب [12] برای احمد بن محمد بن عیسی نقل می کند. یکی کتاب **المتع** و یکی کتاب **نوادر**. این که کتاب المتع در مورد متع حج است یا متع نساء یا هر دو معلوم نیست. محقق خویی می فرماید کتاب نوادر نوشته شده توسط احمد بن محمد میوّب و مرتب نبوده است و «ابن کوره» آن را میوّب کرده است که به آن المیوبه نیز گفته می شود. و شیخ طوسی در فهرست طریق تامی به کتاب المیوبه ذکر می کند. پس ایشان سند تمامی به المیوبه دارد. علاوه بر این که گفتیم شیخ طوسی در مشیخه سند تمامی به نوادر ذکر می کند. پس نسبت به نوادر هم در فهرست و هم در مشیخه سند تمام وجود دارد.

البته نجاشی علاوه بر این دو کتاب، کتاب الحج هم ذکر می کند. آقای خویی استظهار می کنند که کتاب الحج باید بخشی از کتاب النوادر باشد و الا بعید است که کتاب الحجی وجود داشته باشد و به دست شیخ طوسی نرسیده باشد با این که شیخ طوسی روایات فراوانی در احکام حج از احمد نقل می کند. و ایشان خودشان فرموده اند که وقتی احمد را اول سند می آورم روایت را از کتابش نقل کرده ام و مشافهتا نبوده است. پس اگر قرار است که از کتابش باشد مسلماً باید از نوادر بوده باشد. از کتاب متع نمی تواند باشد زیرا تناسب ندارد مگر این که کتاب المتع، متع حج باشد اما ظاهراً ایشان متع را متع نساء فرض معنا کرده اند. پس بنابراین باید از نوادر باشد و الا اگر کتاب جداگانه ای بود باید نام آن را ذکر می کردند. از عدم ذکر ایشان می فهمیم که چنین کتاب مستقلی وجود ندارد. در نتیجه از ضم دو مقدمه:

اول: روایاتی که شیخ طوسی در تهذیب و استبصار نقل می کند از کتاب احمد بن محمد است.

دوم: شیخ طوسی برای احمد بن محمد جز دو کتاب متع و نوادر کتاب دیگری ذکر نمی کند.

این نتیجه به دست می آید که تمام روایاتی که شیخ طوسی در غیر متع نقل می کند از کتاب نوادر است و ایشان سند صحیح به نوادر دارند.

اشکال به جواب دوم محقق خویی: توجیه مخالف ظاهر مشیخه است.

ان قلت: از پنج موردی که شیخ طوسی در مشیخه به عنوان سند خودشان به احمد بن محمد نقل فرمودند در چهار مورد فرمودند «من جمله ما ذکرته» و تنها در مورد روایات نوادر فرمودند «و ما ذکرته». این نشان می دهد که همه روایات کتاب تهذیب از نوادر نیست که آن را تخصیص به ذکر داده است. زیرا نتیجه فرمایش مرحوم خویی این است که تمام روایات کتاب مگر روایات مربوط به متع از کتاب نوادر است. اما کسی ممکن است بگوید این فرمایش با مشیخه سازگار نیست. زیرا در مشیخه مقابله قرار داده شده است و فرموده اند که همه روایاتی که از نوادر ذکر کرده ام سندش این گونه است و معنای آن این است که بقیه راهها مربوط به روایاتی است که از غیر نوادر است یا ممکن است از نوادر باشد.

به عبارت دیگر همه روایات نوادر را به این سند و همچنین بعضی را توسط بعض سندهای دیگر نقل کرده ام. واما غیر نوادر را نقل کرده ام.

جواب اشکال: مخالفتی با ظاهر مشیخه ندارد

قلت: چهار سند دیگر برای روایات اندکی است که برای متعه ذکر شده است. اما انصاف این است که نمی توان گفت چهار راه دیگر برای چند روایتی است که در متعه ذکر شده است. زیرا مستبعد است که تمام روایاتی که راجع به متعه نیست تنها از راه پنجم ذکر شده است و چهار راه دیگر برای روایات متعه ذکر شده است و همچنین برای بعض روایات در نوادر.

تنها جوابی که در جواب ان قلت می توان گفت این است که راههای دیگری که به صورت «من جمله» بیان کرده اند هم برای متعه است و هم این که ممکن است روایات نوادر هم علاوه بر طریق خودش از چهار راه دیگر نیز نقل شده باشد. [13]

جواب سوم مناقشه سندی: اثبات وثاقت احمد بن محمد بن یحیی

در این جا دو راه دیگر وجود دارد که اشاره ای به آن می کنیم.

توضیح این که: مرحوم خویی به این دلیل که وثاقت احمد بن محمد بن عیسی [14] برایشان ثابت نشده است این دو راه بیان نموده اند. اما راه دیگری نیز وجود دارد و آن این که بگوییم احمد بن محمد بن یحیی را ثقه بدانیم.

ایشان احمد بن محمد بن یحیی را ثقه نمی دانند زیرا ایشان در کتب رجالی توثیق ندارد و از رجال کامل الزیارات و تفسیر علی بن ابراهیم نیستند و همچنین مروی عنه ثلاثه نیستند. پس راهی برای توثیق عام ایشان نیست. تنها راهی که وجود دارد این است که بگوییم ایشان از مشایخ اجازه هستند اما ایشان می فرمایند قبول نداریم که مشایخ اجازه حتما از ثقات هستند. شیخوخیت اجازه اعم است. و کتب رجال مملو از کسانی است که تضعیف شده اند اما شیخ اجازه هم بوده اند.

بله تنها شهید ثانی و شیخ بهایی و سماهیجی ایشان را توثیق کرده اند که مرحوم خویی آن را نمی پذیرند زیرا ایشان از متأخرین هستند و توثیقاتشان مبنی بر حدس و اجتهاد است در نتیجه حجت نیست.

اما ما عرض می کنیم که وثاقت ایشان و پسر محمد بن ولید را از راه عبارت شهید ثانی می توانیم اثبات کنیم.

شهید ثانی در کتاب الرعایه فی علم الدرایه مطلبی فرموده اند که قابل توجه است و بواسطه فرمایش ایشان بسیاری از موارد را میتوانیم حل کنیم که ان شاء الله فردا بیان خواهیم کرد.

وصلی الله علی محمد و آل محمد.

[1] وسائل الشیعة، ج30، ص: 132

[2] وسائل الشیعة، ج30، ص: 135

[3] ایشان ابن غضائری هستند.

[4] همان ص: 136

[5] شیخ مفید

[6] ابن غضائری

[7] ثقه جلیل

[8] معجم رجال الحديث ج : 2 ص : 299

[9] فهرست شیخ طوسی (ط - الحديثه) ؛ النص ؛ ص411

[10] شیخ صدوق

[11] ظاهرا مراد استاد دام ظلّه محمد بن علی بن محبوب می باشد زیرا محقق خویی روایات ایشان را با تعویض سند تصحیح کردند.

[12] محقق خویی فرموده اند که شیخ طوسی تنها دو **کتاب فقهی** در فهرست برای احمد بن محمد بن عیسی ذکر فرموده اند. (ثم إن الذي يظهر من الشيخ في ترجمة أحمد بن محمد بن عيسى: أن كتابه في الفقه، كان منحصرا بالمتعة، و بالنوادر ؛ معجم رجال الحديث ج2 ص301)

[13] ظاهرا مراد استاد دام ظلّه را می توان به این بیان خلاصه نمود:

ان قلت: آن چه مرحوم خویی فرموده اند با مشیخه سازگار نیست زیرا برای روایات فراوان نوادر تنها یک طریق ذکر کرده اند و برای روایات اندک متعه چهار طریق. و این احتمال بعید است.

قلت: چهار راه دیگری که شیخ طوسی بیان نموده اند تنها مربوط به روایات متعه نیست. بلکه مراد شیخ طوسی این است که همه روایات کتاب نوادر را به واسطه طریق پنجم نقل کرده ام علاوه بر این که بعض روایات نوادر را نیز به بعض از چهار طریق دیگر نقل نموده ام.

[14] ظاهراً مراد استاد زید عزه احمد بن محمد بن یحیی می باشد.